

سالشمار و کتابشناسی
لویی فردینان سلین

● سالشمار و کتابشناسی لویی فردینان سلین
فرزانه قوجلو

LES ÉDITIONS DE LA LIBRAIRIE

1980 - 1981 - 1982 - 1983 - 1984 - 1985 - 1986 - 1987 - 1988 - 1989 - 1990 - 1991 - 1992 - 1993 - 1994 - 1995 - 1996 - 1997 - 1998 - 1999 - 2000 - 2001 - 2002 - 2003 - 2004 - 2005 - 2006 - 2007 - 2008 - 2009 - 2010 - 2011 - 2012 - 2013 - 2014 - 2015 - 2016 - 2017 - 2018 - 2019 - 2020 - 2021 - 2022 - 2023 - 2024 - 2025

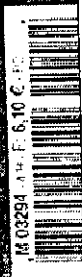
HORS-SERIE N° 4 - 6,10 €

magazine littéraire

HORS-SERIE

Louis-Ferdinand

Céline



لویی فردینان سلین

نام اصلی اش لویی فردینان دتوش (Louis Ferdinand Destouches) بود و نام مستعار سلین (Celine) را شاید برای ادای دین و احترام به مادر بزرگش برگزید.

۱۸۹۴

۲۷ ماه می در پاریس چشم به جهان گشود. پدر بزرگش در بندر لهاور معلم بود و عضو شورای شهر. پدرش مردی تحصیلکرده بود با مدرک دانشگاهی که برای شرکت بیمه کار می کرد. خانواده‌ی مادری اش همگی مغازه دار بودند. مادر بزرگش مغازه‌ی عتیقه فروشی داشت و متخصص تورهای قدیمی و گران قیمت بود. مادر فردینان نیز پیشه‌ی خانوادگی را ادامه داد و مغازه‌ی دانتل فروشی داشت. در ۱۸۹۳ با لویی دتوش وصلت کرد و یک سال بعد فردینان به دنیا آمد.

۱۹۰۷

سلین تا ۱۹۰۷ به مدارس محلی می رفت و از آن سال به بعد او را به آلمان و انگستان فرستادند. به این ترتیب توانست به زبان‌ها و فرهنگ‌های دیگر به آسانی دست یابد و بعدها مبنای آثارش قرار بگیرد.

۱۹۱۲

پس از گذراندن اولین مرحله‌ی امتحان دیپلم برای سه سال در سواره نظام ثبت نام کرد.

نخستین سال دتوش در ارتش دوره‌ی تسلط او بر محیط اطراف بود. سربازی خوب بود و در اسب سواری ورزیده و با هم قطارانش مشکلی نداشت.

۱۹۱۴

در این سال گروهان دتوش درگیر عملیات نظامی بود. باید پیامی ارسال می‌شد. پیک‌های همیشگی حاضر به این کار نبودند. دتوش داوطلب شد. بر اسب نشست تا پیام را برساند. باری، مجروح شد و زخمش به گونه‌ای بود که مدالی نصیبش کرد، همراه با از کار افتادگی هفتاد و پنج درصدی. بازوی راست تقریباً از کار افتاد و شنوایی‌اش آسیب دید.

۱۹۱۵

در کنسولگری فرانسه در لندن مشغول به کار شد و در همان سال با سوزان نبوت (Suzanne Nebout) ازدواج کرد.

۱۹۱۶

به زودی از لندن و همسر اول خسته شد و با جدایی از او لندن را ترک کرد و در شهر کامرون از مستعمرات سابق آلمان و در یک شرکت بازرگانی کار گرفت.

۱۹۱۷

به دنبال ماجراجویی بود که در آفریقای غربی ماند و در یک شرکت فرانسوی مشغول به کار شد.

سپس به مالاریا و اسهال مزمن مبتلا شد، چند ماه پر از عذاب و شکنجه را در بیمارستان تاب آورد اما عوارض این بیماری تا پایان عمر با او باقی ماند.

۱۹۱۷

به پاریس بازگشت و در دومین مرحله‌ی دیپلم متوسطه شرکت کرد. به علت تسلط به زبان انگلیسی در بخش پاریس بنیاد را کفلر مشغول به کار شد و سخنرانی‌هایی در خصوص بیماری‌های ریوی و نحوه‌ی جلوگیری از آن داشت که برخی شرح حال نویسان معتقدند این تجربه تأثیری عمیق بر سلین گذاشت و پس از آن بود که به پزشکی علاقمند شد.

۱۹۱۹

با ادیت فوله (Edith Follet) به عنوان همسر دوم ازدواج کرد

۱۹۲۰

کولت (Collet) تنها فرزندش متولد می‌شود.

۱۹۲۱

تحصیلات خود را در پزشکی آغاز کرد. همسر دوم او دختر پرفسور فولت بود که در هیت

پزشکی دانشگاه رنه موقمیت خوبی داشت و او بود که درهای بسیاری را به روی دلمادش گشود.

۱۹۲۴

اخذ درجهی دکترا در پزشکی

پس از اخذ این مدرک مطبی خصوصی در رنه باز کرد، پس از چند ماه مطب تعطیل شد و بار دیگر پیوندهایش را با همسر دوم و پدر او گسست و باز به ماجراجویی روی آورد و برای گرفتن شغلی در جامعهی ملل رهسپار زوریخ شد. در حقیقت این سال آغاز حرفه‌ی ادبی او بود که با انتشار «زندگی و آثار فیلیپ زملوایس» (Life and Work of Semmelweis) همراه شد که پایان نامه‌ی دکتریش هم بود.

به واسطه‌ی اشتغال در جامعه‌ی ملل به کشورهای زیادی سفر کرد، از جمله آمریکا که بسیار تحت تأثیر این کشور، مردمش، معماری، فقر، شکاکیت و به ویژه زنان زیبای آنجا قرار گرفت و مدت زیادی را در دیترویت گذراند و از صنعت خودروی فورد بسیار شگفت زده شد. در آنجا با الیزابت کریگی (Elizabeth Craig)، رفاص آمریکایی، آشنا شد و تأثیر این زن آنقدر بر او زیاد بود که نخستین رمان ماندگار خود، «سفر به انتهای شب» را به او اختصاص داد و شش سال در کنار یکدیگر بودند.

۱۹۲۸

شروع کار نویسندگی به طور جدی با چاپ «کلیسا» (The Church) که نمایشی هجوآمیز بود. آغاز نگارش «سفر به انتهای شب» (Journey to the End of the Night) حاصل همین سال‌ها بود.

۱۹۳۲

چاپ رمان «سفر به انتهای شب» که جایزه‌ی ادبی رنودو (Renaudot) را نصیب او کرد. (گرچه قرار بود جایزه‌ی پر ارزش ترگنکور را به او بدهند) برخی از داوران گنکور زبان سلین را پر ایراد و پیامش را هولبار ارزیابی کردند.

۱۹۳۶

انتشار رمان «مرگ قسطی» (Death on the Installment Plan) و در همین سال با پولی که از ترجمه‌ی «سفر به انتهای شب» به زبان روسی نصیبش شد به روسیه سفر کرد و این سفر نگاه او را تغییر داد و موجب چاپ ادعانه‌ی ضد کمونیستی «گناه من» (Mea culpa) شد.

۱۹۳۷

چاپ «هیچ و هیچ برای یک کشتار» (Bagatelle pour un massacre) که آغازی برای تمایلات جدی ضد یهود و از دیدگاه خودش بیان صلح خواهی او بود.

«جزوه‌ی مدرسه‌ی جنازه‌ها» (L' Ecole des cadavers) را منتشر کرد. این کتاب موجب شد تا مطبوعات فاشیست و سلطنت طلب از او جانبداری کنند و سبب تبعید و زندان او را فراهم آورد. در هر حال، این جزوه شامل سه قطعه‌ی زیبا و ظریف او برای باله است با عناوین «تولد یک پری»، «La naissance d'une fee» «پل بدجنس، ویرژینی نازنین» (Voyou Paul, brave Virginie) و «وان باگادن» (Van Bagaden).

۱۹۴۱

با سقوط دولت فرانسه، در بیان دیدگاه‌هایش آزادی یافت و رسماً یکی از ضد یهودها شد و به همین علت با گشتاپو همکاری می‌کرد. در همین سال رمان خود را به نام «مخمصه» (Les beaux draps) و «هیچ و پوچ برای یک کشتار» تجدید چاپ شد.

۱۹۴۴ - ۱۹۳۹

در طی جنگ دوم جهانی به عنوان پزشک کشتی به خدمت ارتش در آمد و پس از سقوط فرانسه، هم گام با یهود - ستیزی رسمی نیروهای اشغالگر و فارغ از دشمنان خود در جناح چپ به زندگی راحتی طی چهار سال اشغال دست یافت، آپارتمانی راحت در مونتمارتر به او دادند و سرپرست کلینیک پزشکی شد.

۱۹۴۳

۲۲

ازدواج بالوست المنزور (Lucette Almanzor) به عنوان همسر سوم و تا ۱۹۴۴ در پاریس ماند و قسمت اعظم «گروه خیمه شب بازی» (Guignol' s Band) و پیش‌نویس رمان «جنگ» (Casse - pipe) را به اتمام رساند.

۱۹۴۴

در پایان سال ۱۹۴۴، وقتی معلوم شد که آلمان‌ها جنگ را می‌بازند، سلین دریافت که به زودی همه چیز تغییر می‌کند. پس از آزادی پاریس، رادیو بی بی سی او را خائن اعلام کرد. پاریس برای او خطرناک بود. پول‌هایش را به طلا تبدیل کرد و به حسابی در دانمارک فرستاد و با همسرش و گریه‌ی مورد علاقه‌شان، بیر، به کپنهاک پناه برد. به رغم تمام احتیاط‌کاری‌ها و نقشه‌های فرار و موجودی طلا، زندگی در دانمارک به آن راحتی نبود که سلین تصور می‌کرد. گروهی از طرف دولت فرانسه، حتی پیش از ورود سلین، برای دستگیری او به کپنهاک رسیدند.

۱۹۴۵ - ۱۹۴۶

او را دستگیر کردند و چهار ده ماه را در بخش محکومان به مرگ کپنهاک سپری کرد.

۱۹۴۷

• آزادی مشروط به دست آورد و قریب پنج سال در کنار دریای بالتیک، در کلبه‌ای زندگی را گذراند.

LOUIS-FERDINAND CÉLINE

MEA CULPA

roman de
LA VIE ET L'ŒUVRE DE
SEMMELEIS

DENOËL ET STEELE

LOUIS-FERDINAND CÉLINE

BAGATELLES

POUR UN

MASSACRE

ÉDITIONS DENOËL

۲۳

LOUIS-FERDINAND CÉLINE

L'ÉCOLE DES CADAUVRES

ÉDITIONS DENOËL

LOUIS-FERDINAND CÉLINE

LES BEAUX DRAPS

NOUVELLES ÉDITIONS FRANÇAISES
PARIS

۱۹۴۸-۱۹۵۱

در همین جا و در انتظار عفو دولت فرانسه قسمت اول نمایش «افسانه‌ای برای وقتی دیگر» را نوشت و سپس قسمت دوم آن را ادامه داد. طی همین دوران با پرفسوری جوان و یهودی از آمریکا به نام میلتون هیندوس (Milton Hindus) مکاتبه داشت. برخی منتقدین معتقدند که این مکاتبات سلین را واداشت تا در پاسخ به هیندوس کتابی بنویسد (۱۹۵۵) «مکالمات با پرفسور ایگرگ» (Y Conversations with professor)

۱۹۴۹

انتشار رمان «جنگ» که در واقع دنباله‌ی «مرگ قسطی» بود و در هنگام تبعید او به چاپ رسید.

۱۹۵۱

سلین به خیانت محکوم شد اما ارتش فرانسه به دلیل رشادت در جنگ جهانی اول او را مورد عفو قرار داد و سلین فرصت یافت تا تبعیدگاه خود، دانمارک را ترک کند و به فرانسه بازگردد. سال‌های زندان و تبعید او را پیر و فرسوده کرده بود و منزوی‌تر و بیمارتر از پیش و ضد اجتماعی‌تر از همیشه شد. سرانجام در جایی به نام مودون نزدیک پاریس اقامت گزید و تا زمان مرگ همان جا ماند.

۱۹۵۲

انتشار رمان «افسانه‌ای برای وقتی دیگر» (Masque for some Tomorrow) که شرح اقامت اوست در زندان‌های دانمارک. سلین قصد داشت در این اثر تجربه‌ی خود را به نحوی ملموس در اختیار همگان قرار دهد.

۱۹۵۴

چاپ رمان «نورمانس» (Normance) که ادامه‌ی «افسانه‌ای برای وقتی دیگر» بود.

۱۹۵۷

انتشار رمان «قصر به قصر» (Castle to Castle) در زمانی صورت گرفت که نویسنده از مرز شصت سالگی گذشته بود اما همچنان سرزنده بود و به دنبال زندگی.

۱۹۵۹

«باله‌های بی‌آهنگ و بی‌شخص و بی‌چیز» (Ballets sans musique, sans persounne, sans rien) انتشار یافت.

۱۹۶۰

انتشار رمان «شمال» (Nord) که نبوغ شگفت‌انگیز سلین را در روایت کردن باز می‌نماید.

تکمیل رمان «رقص ریگودون» (Rigodon) که آخرین رمان اوست و اثری که پس از مرگش، در ۱۹۶۹، انتشار می‌یابد.

سرانجام سلین در اول ژوئیه ۱۹۶۱ دیده از جهان فرویست. او را در گورستان مودون به خاک سپردند. بر سنگ قبر او دو عنوان جای گرفت: لویی فردینان سلین، دکتر لویی فردینان دتوش.

گروه خیمه شب بازی ۲ که پس از مرگ او به چاپ رسید.

نشر ورجاوند منتشر کرده است:

- سگ ولگرد / صادق هدایت / بکوشش جهانگیر هدایت
- زنده به گور / صادق هدایت / همراه با ترجمه انگلیسی و ارمنی
- باغ بارون (مجموعه داستان) / شاهرخ تندرو صالح
- فردا می‌بینمت (مجموعه داستان) / سودابه اشرفی
- رخ شیشه‌ای (مجموعه داستان) / عباس مؤذن
- سایه‌های تردید (مجموعه اشعار) / موگان پارسا مقام
- جامعه خیلی مدنی (مجموعه داستان) / شاهرخ تندرو صالح
- مشهورتر از خورشید (درباره زندگی شمس تبریزی) / حسین مختاری
- روئین تنی و جاودانگی در اساطیر / ایرج بهرامی
- راز گل زرین / ریچارد ویلهلم / سیمین موحد
- افسون هدایت / دکتر مجتبی هدایت
- ماهی (مجموعه داستان) / فرخنده نیکو

نشر ورجاوند خیابان آریاشهر خیابان سازمان آب — بین اسدی شمالی و

چهارراه خسرو — پلاک ۱۹ طبقه سوم تلفن: ۴۴۲۱۸۵۸۰ — ۴۴۲۶۵۹۹۸

نویسندگان قرن بیستم فرانسه

۱۹

دیوید هیمن

الکوفینا کسلین

مهدی سحابی

